

جواد

یا پرده؟ صغیر بوده یا کبیر؟ برای اولین بار چنین کاری کرده یا قبلاً صید کرده بود؟ صید کشته شده از پرندگان بوده یا از غیر پرندگان؟ از صیدهای کوچک بوده یا بزرگ؟ محرم بر کشتن صید اصرار دارد یا پیشمان است؟ کشتن در شب بوده یا روز؟ در حال کشتن صید، محرم به احرام عمره بوده یا حج؟ یحیی بن اکثم، مات و متحیر گشت و آثار ناتوانی و شکست در چهره‌اش پیدا شد. او به گونه‌ای به لکنت افتاد که همه اهل مجلس، متوجه حیرت و سرگردانی‌اش گردیدند.

● شخصی به سرعت اعتراف کرد و از معتصم خواست که حکم خدا را در مورد او اجرا کند. معتصم از فقها پرسید: دست دزد از کجا باید قطع شود؟

ابن ابی‌دؤاد قاضی‌القضات دستگاه عباسی گفت: از من دست. معتصم گفت به چه دلیل؟ ابن ابی‌دؤاد گفت: چون در آیه پنج سوره مائده - آیه تیمم - منظور از دست، تا منج دست است. گروهی دیگر گفتند: دست دزد باید از آرنج قطع شود چون در آیه شش سوره‌ی مائده - آیه وضو - منظور از دست تا آرنج است. معتصم از امام جواد پرسید: نظر شما در این مسئله چیست؟ امام فرمود: این‌ها نظر دادند، مرا معاف بدار. معتصم امام را قسم داد که نظرش را بگوید.

امام فرمود: چون قسم دادی، نظرم را می‌گویم. اینها در اشتباهند، زیرا فقط انگشتان دزد باید قطع شود و بقیه‌ی دست باید باقی بماند.

معتصم گفت: به چه دلیل؟

امام فرمود: زیرا رسول خدا ﷺ فرمودند: سجده بر هفت عضو بدن تحقق می‌پذیرد: صورت (پیشانی)، دو کف دست، دو سر زانو و دو پا (دو انگشت بزرگ پا) بنابراین اگر دست دزد از منج یا آرنج قطع شود، دستی برای او نمی‌ماند تا سجده نماز را به جا آورد. و نیز خدای متعال می‌فرماید: «وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ سجده‌گاه‌ها (هفت عضوی که سجده بر آنها انجام می‌گیرد) از آن خداست، پس هیچ‌کس را همراه و همسنگ با خدا بخوانید (و عبادت نکنید) و آنچه برای خداست قطع نمی‌شود.

معتصم جواب امام را پسندید و دستور داد انگشتان دزد را قطع کردند.

ابن ابی‌دؤاد که نزد حاضران شرمند شده بود، چند روز بعد نزد معتصم رفت و گفت: از باب خیرخواهی، به شما تذکر می‌دهم که جریان چند روز قبل به صلاح حکومت شما نبود، زیرا در حضور دانشمندان و مقامات عالی مملکتی فتوای ابو جعفر، یعنی فتوای کسی را که نیمی از مسلمانان او را خلیفه و شما را غاصب حق او می‌دانند، بر فتوای دیگران ترجیح دادی و این خبر میان مردم منتشر و خود دلیل قاطعی بر حقانیت او نزد شیعیان شد. معتصم که خود در پی از میان برداشتن امام بود با سخنان ابن ابی‌دؤاد بیش‌تر تحریک شد و درصدد قتل امام برآمد.

منابع

فرهنگ جامع سخنان امام جواد ﷺ تألیف گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، ترجمه: مسلم صاحبی.

سیره پیشوایان (نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم علیهم‌السلام) مهدی پیشوایی.

● ابو یحیی صنعانی می‌گوید: روزی در محضر امام رضا ﷺ بودم. فرزند خردسال را آوردند. امام فرمودند: «این مولودی است که برای شیعیان ما با برکت‌تر از او زاده نشده است.»

● امام جواد ﷺ شش سال و چند ماهه بود که پدرش را شهید کردند. میان شیعیان به خاطر کمی سن امام، اختلاف افتاد. در موسم حج، هشتاد نفر از علما و فقهای بغداد و شهرهای دیگر رهسپار حج شدند و به قصد دیدار امام جواد ﷺ به مدینه رفتند. وارد خانه امام صادق ﷺ که خالی بود، شدند. عبدالله بن موسی، عموی امام جواد ﷺ وارد شد و در بالای مجلس نشست. یک نفر بر پا خاست و گفت: این پسر رسول خداست؛ هر کس سؤالی دارد، از او پرسد. چند نفر از حاضران سؤالاتی کردند که او پاسخ‌های نادرستی داد.

گفتند: اگر ابو جعفر [امام جواد ﷺ] می‌توانست جواب مسایل ما را بدهد، عبدالله نزد ما نمی‌آمد و جواب‌های نادرست نمی‌داد.

در این هنگام امام وارد شد و نشست. آنها سؤالات خود را از امام پرسیدند و پاسخ‌های کاملی شنیدند. گفتند: عموی شما جواب‌های دیگری به سؤالات ما داد.

امام فرمود: ای عمو! در پیشگاه خدا بسیار سخت و بزرگ است که فردا در پیشگاه او بایستی و به تو بگویم: با آن که در میان امت، داناتر از تو وجود داشت، چرا برای بندگانم به آنچه نمی‌دانی، فتوا صادر کردی؟

● دایه‌اش به او گفت: تو را در اندیشه و تفکر می‌بینم، گویا بزرگ شده‌ای؟

پاسخ داد: دایه جان! عیسی بن مریم بیمار می‌شد، در حالی که خردسال بود، پس داروی درد خود را برای مادرش توصیف می‌کرد و هنگامی که آن را میل می‌کرد، می‌گریست.

مادرش می‌گفت: پسرکم تو را به آنچه خودت به من آموختی، درمان کردم!

حضرت عیسی به مادرش می‌گفت: حکم، حکم پیامبرانه و خلق و خو، خلق و خوی کودکانه است.

● بزرگان عباسی از توجه مأمون به امام جواد ﷺ در هراس بودند. پس برای این که به مأمون ثابت کنند که این نوجوان از فهم و درک درست و دانش بالایی برخوردار نیست، یحیی بن اکثم - قاضی‌القضات وقت که در دانش سرآمد همه بود - را برای مناظره با امام برگزیدند. یحیی در مجلس مأمون از امام سؤال کرد: آیا اجازه دارم سؤالی بکنم؟

حضرت فرمود: اگر می‌خواهی بپرس.

یحیی گفت: درباره‌ی شخصی که مُحَرَّم بوده و در آن حال حیوانی را شکار کرده است، چه می‌گویید؟ امام فرمودند: آیا این شخص، شکار را در بیرون حرم امن الهی کشته یا در حرم؟ عالم به حکم حرمت شکار در حال احرام بوده یا جاهل؟ عمداً کشته یا به خطا؟ آزاد بوده